

## «ادبیات معاصر ایران (نثر)»



مؤلف: محمد رضا روزبه

نوبت انتشار: چاپ چهارم

محل نشر: تهران

ناشر: روزگار

سال نشر: ۱۳۸۸

تعداد صفحات: ۳۱۲

منتقد:

دکتر محمود بشیری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

معرفی اثر

این اثر را در زمینه ادبیات معاصر نثر می‌توان جزو متون آموزشی شاخص محسوب کرد. مؤلف کتاب به اختصار، دانستی‌های لازم و مفیدی را پیرامون سیر تحول نثر فارسی و ابعاد داستانی و نمایشی آن ارائه کرده است. علاوه بر این، در این اثر مباحثی چون سابقه‌ی نقدنویسی، طنزنویسی در ایران و انواع نثر معاصر فارسی از قبیل نثر محققانه، نثر ترجمه، نثر روزنامه‌نگاری مورد توجه قرار گرفته است.

### امتیازات شکلی و محتوایی

به نظر می‌رسد توفیق نسبی مؤلف در نگارش چنین اثر مفیدی، مبتنی است بر تجربیات آموزشی وی که خود بدان اشاره کرده است. اجزای این اثر را براساس تجربه‌ی آموزشی خود در طی ده سال تدریس ادبیات معاصر جمع‌آوری و تدوین کرده است (روزبه، محمدرضا، ۱۳۸۸: ۷).

علاوه بر این، مؤلف پیش از چاپ اثرش، آثار موجود مشابه را خوانده و کمبود و نواقص آنها را دیده و نیز کوشیده است تا اثرش آن معایب را نداشته باشد (همان مأخذ: ۸). همچنین مؤلف، هدف خود را در مقدمه کتاب درخصوص تدوین آن به صراحت گفته که غرض وی ارائه سیر تاریخی – تحلیلی داستان‌نویسی معاصر و اسلوب و عناصر آن و قرار دادن چشم‌انداز روشنی از حیات و حرکت ادبیات داستانی معاصر، فراروی مخاطبان و دانشجویان با تکیه و تأکید بر آشنایی آنان با نویسندگان شاخص و سبک و ساختار آثار آنها بوده است (همان مأخذ: ۸).

با این حال، به لحاظ شکلی باید گفت که مؤلف نشانه‌های نگارشی و ویرایشی را به درستی رعایت کرده و به همین علت نیز نثر کتاب ساده و روان است و جمله‌ها و عبارتها بدون ابهام و پیچش خاصی است.

مؤلف برای اینکه موضوع‌های مورد بحث کتاب به درستی برای مخاطب تفهیم گردد، در آغاز کتاب وضعیت نثر فارسی را مختصر و مفید بررسی کرده و در بخش نثر داستانی نیز عناصر داستان را در حجمی اندک و قابل قبول توضیح داده است و همچنین در ادامه بحث، مکاتب ادبی مهم جهان را که در ادبیات داستانی ایران مورد توجه بوده، بررسی کرده است.

معادل‌سازی‌هایی که مؤلف درخصوص اصطلاحات تخصصی در این اثر نسبت به واژگان و اصطلاحات فرنگی انجام داده، به نظر درست و قابل قبول می‌رسد. اصطلاحاتی مثل داستان لطیفه‌وار Anecdote، صحنه Setting، چندگویی PolyLogue، جریان سیال ذهن Stream of consciousness، ... که همه‌ی اصطلاحات، معادل‌های آنها ذکر شده است. علاوه بر این، کتاب به لحاظ مطالب و محتوا تا حدودی از جامعیت و تناسب برخوردار است. البته باید در نظر داشت که این اثر در عنوان خود در صفحه‌ی (۱) با عنوان «درسنامه»

## ادبیات معاصر ایران (نثر) ۱۴۷

ذکر شده یعنی مؤلف این کتاب را در حله‌ی اول صرفاً برای تدریس درس نثر معاصر نوشته است و با این حال، کوشیده است به طور خلاصه و مفید از انواع نثر مثل نثر ادبی، نثر ترجمه، نثر محققانه، نثر روزنامه ای و... سخن بگوید و همچنین پاره‌ای از صفحات کتاب به طنزنویسی اختصاص یافته است که در خور توجه است و همچنین در این کتاب بحث مربوط به داستان‌های کودک و نوجوان و نیز نمایشنامه‌نویسی مطرح شده است که خواندن آن مفید فایده است.

به لحاظ انسجام مطالب کتاب نیز باید گفت که محتوای اثر با عنوان و فهرست کتاب انطباق کامل دارد و نیز مطالب کتاب تا حدودی با آخرین سرفصل‌های مصوب وزارت علوم برای درس موردنظر مطابقت دارد. البته لازم به ذکر است که پاره‌ای از مطالب کتاب نسبتاً جدید است و از این نظر، مطالب کتاب تازه و روزآمدتر از برنامه‌ی مصوب وزارت علوم است مثل بحث مربوط به نثر کاریکاتور، نیز ذکر آثار مشهور نویسندگان دوره انقلاب اسلامی از جمله احمد عزیزی، قیصر امین‌پور، محمدرضا مهدیزاده و همچنین بحث مربوط به بررسی نثر مقاله‌ها و روزنامه‌ها کاملاً جدید است.

به طور کلی، مؤلف نمونه‌ها و شواهدی که از نویسندگان آورده‌اند، علی‌الخصوص پیرامون آثار داستانی از تازگی برخوردار است و ضمناً گزینش خوبی از آثار نویسندگان جدید صورت گرفته است؛ مثل داستان «عشق روی پیاده‌رو» از مصطفی مستور، «ماه نگار» از داود غفارزادگان، خصوصاً «دو کبوتر، دو پنجره، یک پرواز» از سیدمهدی شجاعی و ... همچنین در نثر ادبی نیز نمونه‌های درخور توجهی از احمد عزیزی تحت عنوان «آفتابگردان حضور» انتخاب شده است.

مؤلف در بخش طنزنویسی هم نوشته‌هایی زیبا برگزیده است که یکی از این نوشته‌های خواندنی، از کیومرث صابری معروف به گل‌آقاست که عنوان آن «تبعات ادبی» است و همین خصوصیت تازه‌گویی نیز در قسمت مقاله و روزنامه‌نگاری دیده می‌شود که در این قسمت مقاله «فیدل کاسترو» از محمد قوچانی زیبا و خواندنی است. منابع و مأخذ مورد استفاده مؤلف به لحاظ علمی و پژوهشی دارای اعتبار لازم هستند و به نظرم برای تبیین موضوعات مورد بحث نیز کافی و بسنده‌اند.

## ۱۴۸ نقدنامه زبان و ادبیات فارسی و زبان‌های باستانی

به لحاظ انتخاب و نقد آثار نویسندگان در این کتب نمی‌توان گرایش خاصی از مؤلف را نسبت به یک اثر و یا نویسنده‌ای به درستی و به ضرس قاطع، تشخیص داد ولیکن از نشانه‌ها و قراین دیگری می‌توان به تعلق خاطر مؤلف نسبت به نویسنده‌ای و یا نویسندگانی خاص گمانه‌زنی کرد که از جمله آن می‌توان طرح روی جلد کتاب را تا حدودی مبنا قرار داد و آن را به لحاظ نشانه‌شناسی بررسی کرد و حدسیاتی را مطرح نمود. مؤلف در چاپ اول و دوم کتاب در پشت جلد آن فقط عکس صادق هدایت را آورده بود و در چاپ‌های بعدی نیز عکس پنج تن دیگر از نویسندگان را بدان افزود.

### اشکالات شکلی و محتوایی

کیفیت شکلی و چاپی اثر به لحاظ حروف‌نگاری خوب نیست و می‌توان گفت که تا حدودی چشم‌آزار است. همچنین کتاب از نظر صفحه‌آرایی، وضع مطلوبی ندارد ولیکن صحافی کتاب به درستی صورت گرفته و شیرازه آن از استحکام برخوردار است. طرح روی جلد کتاب که مربوط به عکس شش تن از داستان‌نویسان معاصر است، درخور توجه است و در این خصوص باید گفت که این شش تن هر چند از نویسندگان مشهورند ولیکن به تنهایی نمی‌توانند نماینده‌ی جریان داستان‌نویسی کشور باشند و به‌جا بود که مؤلف تصویر و یا تصاویر نویسندگان دیگر را می‌افزود و یا اینکه هیچ تصویری را از نویسنده‌ای بر روی جلد کتاب خود نمی‌آورد. البته مؤلف در چاپ اول و دوم کتاب که مربوط به سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۴ است، فقط تصویر صادق هدایت را بر روی جلد آورده بود که در چاپ‌های دیگر آن را بدین صورت تغییر داد.

از جمله کاستی‌های این کتاب می‌توان گفت که این اثر براساس پیش‌فرض خاصی به لحاظ علمی و پژوهشی نوشته نشده است؛ هرچند که مؤلف در پشت جلد پایانی کتب هم در چاپ اول و دوم (۱۳۸۴) و هم در چاپ چهارم (۱۳۸۸) در بیان علت عدم توفیق آثار مشابه اثر خود، آثار دیگران را به نوعی نقد کرده و ضعف و ایرادهای آنها را برشمرده است، ولیکن اثر خود مؤلف از این نظر دارای کاستی‌هایی است که برخی از آنها در ادامه بیان خواهد شد.

یکی از ایرادات عمده‌ی کتاب به لحاظ تبویب و تقدم و تأخر مطالب است. یکی از این موارد مربوط به بحث انواع نثر است که به نظر بایسته بود که مؤلف ابتدا بحث انواع دیگر نثر غیر نثر

## ادبیات معاصر ایران (نثر) ۱۴۹

داستانی را در یک جا و به دنبال هم می‌آورد و در آخر نیز نثر داستانی را که به لحاظ حجم بحث نیز قابل ملاحظه است، می‌آورد و مورد بررسی قرار می‌داد. عدم توجه به این امر سبب شده که تا حدودی کتاب از انسجام قوی و محکمی برخوردار نباشد.

پیرامون بحث مربوط به سابقه‌ی داستان و داستان‌نویسی در ایران (ص ۵۸ کتاب) لازم بود که مؤلف به آثاری مثل «ادبیات داستانی در ایران از روزگار باستان تا عصر مشروطه» (وزیری، سعید، ۱۳۸۸) و «سرگذشت داستان‌نویسی ایران» (تقی‌پور، تقی، ۱۳۸۶) مراجعه می‌کرد و با سابقه‌ی داستان‌نویسی در ایران بیشتر آشنا می‌شد.

نکته دیگری که پیرامون کاستی‌های این کتاب می‌توان گفت، آن است که مؤلف در پاره‌ای از مطالب، پیوستگی بین مطالب را رعایت نکرده است. یکی از این موارد مربوط به پیوستگی نمایشنامه‌نویسی و داستان‌نویسی است که به‌جا بود که ابتدا نمایشنامه‌نویسی را مورد بحث قرار می‌داد و بعد آن از داستان‌نویسی سخن می‌گفت، زیرا یکی از حلقه‌های روابط نثر و داستان‌نویسی در دوران معاصر، نمایشنامه و نمایشنامه‌نویسی است که مقدمه‌ی داستان‌نویسی ماست.

کاستی دیگری که در کتاب مشاهده می‌شود و قابل ذکر است، پیرامون تحلیل برخی از داستان‌هاست که معمولاً به صورت سطحی مورد تحلیل واقع شده است؛ از جمله در (ص ۸۰) در پاورقی مطالبی در نقد رمان شوهر آهوخانم نوشته شده که کافی نیست و باید توجه داشت که یکی از موضوعات مهم این رمان، مسأله‌ی جدال بین سنت و تجدد است که مؤلف هیچ اشاره‌ای بدان نکرده است. در واقع، این رمان بیانگر دو جریان عمده‌ی فکری و رفتاری در صحنه‌ی زندگی مردم آن دوره است که افغانی آن را در رمان خود به تصویر کشیده است. «هما» یکی از شخصیت‌های داستان شوهر آهوخانم، نماد جدال سنت و تجدد است و نیز زن متجدد که فردی فتنان و پر از هوس است و در عوض «آهوخانم» نماد سنت است و خود «سید میران» که قهرمان اصلی قهرمان است، نماد مردم ایران و یا بخشی از مردم ایران است که در آغاز، اسیر جاذبه‌های تجدد شده است ولی بعد به کمک همسر خود، آهو خانم به زندگی و سنت بومی خود برمی‌گردد.

البته این بازگشت موکول به بازسازی سنت است که این مفهوم از مضامین عمده‌ی جریان فکری کشور در آن دوران بود که در آثار اندیشمندانی چون آل احمد و شریعتی و دیگران دیده

## ۱۵۰ نقدنامه زبان و ادبیات فارسی و زبان‌های باستانی

می‌شود و انقلاب اسلامی نیز خود بازگشت به سنت‌های بومی و اسلامی را وجهه‌ی همت خود قرار داده و برآمده از همین رویگردانی از تجدد و رویکرد به سنت‌های اصیل بومی ایرانی و اسلامی است.

اشکال دیگری که از این اثر می‌توان گرفت، بحث مربوط به قصه و داستان است (ص ۲۱) که به صورت ناقص گزارش شده است. علاوه بر این، مؤلف در (ص ۲۲) در همان پاراگراف اول از لفظ «متأخر» به درستی استفاده نکرده است: «در ایران نیز طی دوران پیش و پس از اسلام به قصه‌های منظوم و منثور فراوانی برمی‌خوریم از جمله: قصه‌های اساطیری شاهنامه، هزار و یک شب (که اصل آن هندی است) و در قرون متأخر آثاری چون: «سمک عیار، داراب‌نامه، فروزنامه، ابومسلم‌نامه، اسکندرنامه، امیرارسلان نامدار، حسین کردشبه‌تری و...» زیرا خواننده با خواندن این عبارت‌ها با توجه به لفظ متأخر تلقی وی این است که داستان‌هایی چون سمک عیار، داراب‌نامه، فیروزنامه، ابومسلم‌نامه، اسکندرنامه، همانند داستان امیرارسلان نامدار و داستان حسین کردشبه‌تری در همین ۱۵۰ سال اخیر نوشته شده‌اند.

مؤلف در این گزارش اجمالی پیرامون پیشینه قصه و داستان‌نویسی هیچ اشاره‌ای به کتاب‌های مقدس و آسمانی چون تورات، انجیل و علی‌الخصوص قرآن کریم نکرده است؛ در حالی که بخش‌های مهمی از مطالب این کتاب‌های مقدس و از جمله قرآن کریم مربوط به قصه‌ی انبیا و دیگران است که در واقع می‌توان گفت که اولین قصه‌گو بنابر آیات و سوره‌های قرآن حکیم، خداوند است و نخستین قصه‌ای که خداوند در قرآن نقل کرده است، داستان آفرینش حضرت آدم (ع) است.

بر اساس قصه‌های قرآنی، بسیاری از گویندگان مسلمان از جمله عرفا و دیگران داستان‌ها و قصه‌های بسیاری نوشته‌اند که مؤلف بدان‌ها توجهی نکرده است. همچنین ایراد دیگری که از این کتاب قابل ذکر است، این است که چون این اثر جنبه‌ی آموزشی دارد، بجا بود که مؤلف محترم، حداقل در پایان بخش نثر داستانی، یک نتیجه‌ی کلی را از مباحث می‌آورد.

### نتیجه گیری و پیشنهادها:

صواب آن است که مطالب فصل هشتم تا سیزدهم کتاب در آغاز فصل پنجم کتاب آورده شود و به عنوان مقدمه نثر داستانی تلقی گردد. علاوه بر این، بایسته است که بخش نمایشنامه‌نویسی نیز پیش از جریان داستان‌نویسی مورد بحث و فحص واقع شود زیرا که حلقه اتصال نثر دوره قاجاریه با نثر داستانی، نمایشنامه‌نویسی و همچنین سفرنامه‌نویسی است که مؤلف محترم به این نکته‌ها توجهی نکرده است. بهترین دلیل ارتباط بین سفرنامه‌نویسی و نثر داستانی این است که اکثر داستان‌ها و رمان‌های نخستین فارسی در دوره قاجاریه و حول و حوش مشروطه و در زمان مشروطه، در قالب سفرنامه ارائه شده‌اند. داستان‌هایی مثل سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیک (مراغه‌ای، زین‌العابدین، ۱۳۵۳)، مسالک‌المحسنین (طالבו، عبدالرحیم، ۱۳۵۶) و... که به طور قطع این نویسندگان به سفرنامه‌هایی چون تحفه‌العالم (شوشتری، عبدالطیف، بی‌تا) و میرطالبی (شیرازی، میرزاابوطالب‌خان، ۱۳۵۲) معروف به ابوطالب خان‌لندی، توجه داشته‌اند.

در این کتاب جای بحث پیرامون نثر فلسفی به عنوان نثری نقش‌آفرین خصوصاً در زمینه طنز ادبی، خالی است و بایسته است که مؤلف محترم در چاپ‌های بعدی به آوردن نمونه‌هایی از این نوع نثر همت ورزد. از جمله لازم است نمونه‌هایی از کتاب «مو، لای درز فلسفه» انتخاب گردد تا بر ارزش و غنای کتاب افزوده شود. موارد زیر نیز در چاپ بعدی لحاظ شود:

- اصلاح عنوان کتاب به «ادبیات معاصر نثر ایران از مشروطه تا دهه ۷۰»
- اختصار در مطالب کلی کتاب و در عین حال بیان مشروح تر مطالب تا پایان دهه ۶۰.
- در بررسی هر دوره داستان‌نویسی چند اثر برگزیده و نقد و تحلیل شود.
- لازم است ویراستار تخصصی متن را بازبینی کند.
- رعایت امانت در نقل منابع و مآخذ بویژه در قسمت مکاتب ادبی و بررسی جریان‌های مربوط به دوره‌های داستان‌نویسی.